



روش شناسی تفسیر طبری

فتحی الدینی

به کوشش هاله بادینده







روش‌شناسی تفسیر طبّری

محمد فتحی‌الدینی

به کوشش: هاله بادینده

ترجمه فاضله میرغفوریان، هاله بادینده، نرگس ترقی



انتشارات نگارستان اندیشه

تهران ۱۴۰۲

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

شابک

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

الدربنی، محمد فتحي، ۱۹۲۳- م. ، 1923 Durayni, Muhammad Fathi

دراسات و بحوث في الفكر الاسلامي المعاصر. برگزیده. فارسی

روش شناسی تفسیر طبری / محمد فتحي الدربنی؛ به کوشش هاله بادینده؛ ترجمه

فاضله میرغفوریان، هاله بادینده، نرگس ترقی؛ [برای] انجمن ایرانی مطالعات قرآنی

و فرهنگ اسلامی. تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۱

۲۴۸ ص. 7-66-622-978

کتاب حاضر ترجمه مقاله " الامام الطبري و منهجه العلمی فی التفسیر " از کتاب "

دراسات و بحوث في الفكر الاسلامي المعاصر" تألیف محمد فتحي الدربنی است

کتابنامه: ص. [۲۴۵]-۲۴۸؛ همچنین به صورت زیر نویس

طبری، محمد بن جریر، ۲۲۴ - ۳۱۰ ق. جامع البیان فی تفسیر القرآن -- نقد و

تفسیر. تفاسیر اهل سنت -- قرن ۴ ق. -- نقد و تفسیر. *Sunnite Qur'an --

Hermeneutics -- 10th century -- Criticism, interpretation, etc

میرغفوریان، فاضله، ۱۳۴۹-، مترجم. بادینده، هاله، ۱۳۴۹-، مترجم، گردآورنده.

ترقی، نرگس، ۱۳۵۴-، مترجم. انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی.

۱۹۲۴/۲۹۷ - BP ۸/۹۲

۸۸۹۵۰۷۸

روش شناسی تفسیر طبری

محمد فتحي الدربنی

به کوشش: هاله بادینده

ناشر: نگارستان اندیشه

نمونه خوان: وحید دریابیگی

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم، ۱۴۰۲

چاپ و صحافی: سروش

978-622-7754-66-7

حقوق این اثر، برای انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی

محفوظ است.

نقل بخش هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.

تهران، خیابان وحید نظری، بن بست فرزانه، شماره ۱۱، واحد ۳

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ نمابر: ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

فهرست

۹.....	مقدمه
۱۱.....	سخن مترجمان

گفتار اول: ویژگی های روش علمی طبری در تفسیر قرآن کریم

۱۵.....	مقدمه
۴۰.....	اول: وجود روایات مأثوره از سنت قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۴۰.....	دلایل نیاز قرآن کریم به تفسیر مأثور
۴۹.....	دلایل لزوم احاطه مفسر بر اسباب النزول
۵۲.....	نقد دیدگاه شاطبی
۱۶۱.....	دوم: منقولات سلف و ارزیابی جایگاه آن در روش طبری
۶۲.....	نقد دیدگاه طبری در خصوص حجیت منقولات سلف
۸۳.....	مهمترین دلایل اختلاف صحابه و سلف

گفتار دوم: اجتهاد به رأی در تفسیر از منظر طبری

۹۱.....	مقدمه
۹۹.....	نقد اصل عدم جواز خروج از اقوال سلف
۱۰۲.....	سوم: حصول اجماع
۱۰۴.....	چهارم: اعتماد طبری بر منطق زبانی
۱۰۶.....	تأثیرپذیری طبری از ابن عباس
۱۰۸.....	پنجم: دیدگاه طبری درباره اصل اجتهاد به رأی در تفسیر

معانی رأی در قرآن کریم، بر اساس موارد استعمال آن.....	۱۰۸
دیدگاه طبری در ردّ اجتهاد به رأی در مقابل سنت قطعی و صحیح.....	۱۲۲
دیدگاه شاطبی در خصوص اجتهاد به رأی.....	۱۲۴
حکمت تشریعی ترکِ عامدانه تبیین بخشی از آیات قرآن کریم.....	۱۴۸
جواز اجتهاد به رأی از منظر زرکشی.....	۱۵۰
تأکید ماوردی بر وجوب اعمال رأی در تفسیر قرآن کریم.....	۱۵۱
دیدگاه طبری درباره اصل اجتهاد به رأی در تفسیر.....	۱۵۱
ششم: تأیید دیدگاه طبری در خصوص اصل اجتهاد به رأی در قرآن کریم.....	۱۵۴
وجوه چهارگانه تأویل.....	۱۶۰

گفتار سوم: تأویل یک اصل روشمند در تفسیر طبری

مقدمه.....	۱۶۵
عناصر اصلی موضوع.....	۱۶۵
کیفیت استفاده طبری از معانی تأویل در تفسیر خود.....	۱۶۷
«تأویل» یک اصل روشمند عقلی در تفسیر طبری.....	۱۷۱
مقدمه.....	۱۷۱
معنای لغوی تفسیر و تأویل.....	۱۷۸
«تأویل»، متضمن معنای سیاست در تدبیر معانی نص و ایجاد هماهنگی بین آن معانی.....	۱۸۰
مفهوم تأویل از منظر راغب اصفهانی.....	۱۸۱
تأویل امری فراتر از تفسیر.....	۴۱۸۴
تفاوت مفهوم تأویل با توجه به اختلاف موارد کاربرد آن.....	۱۸۴
دلیل انتخاب کلمه تأویل توسط طبری.....	۱۹۸
دلایل وجود ظاهر و باطن در متن قرآن.....	۲۰۴
اصول کلی روش طبری در تأویل آیات.....	۵۲۰۵
اول: اصل کلی در روش طبری «موافقت تفسیر با ظاهر آیات».....	۲۰۵
دوم: عدم جواز تأویلات دور از ذهن از نگاه طبری.....	۱۲۱۱

فهرست ■ ۷

سوم: استفاده از ضرب المثل ها در تأویل آیات.....	۲۱۳
چهارم: عدم جواز تأویل به شکل تخصیص عام یا تقييد مطلق.....	۷۲۱۷
پنجم: تأویل بر اساس دلالت ابتدای کلام بر انتهای آن و بالعکس.....	۲۲۲
ششم: استناد به سیاق متن و آیات قبل و بعد در تأویل.....	۲۹۲۲۹
هفتم: تقدم معانی حاصل از اجتهاد به رأی بر قواعد نحوی.....	۲۳۸
فهرست منابع.....	۲۴۵

مقدمه

قرآن کریم به مثابه کتاب آسمانی و منشور ایمان و عمل، همواره مورد توجه مردم مسلمان ایران بوده و تاریخ شاهد معتبری برای فعالیت‌های گسترده ایرانیان در تفسیر و تبیین آموزه‌ها و آیات نورانی این کلام الهی بوده است. در واقع بسیاری از مفسران برجسته و مشهور قرآن کریم همگی ایرانی تبار بوده‌اند و برای خدمت به قرآن کریم تلاش‌های خستگی‌ناپذیری داشته‌اند. محمدبن جریر طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ق) در شمار مهم‌ترین مفسران ایرانی قرآن کریم است که با تألیف تفسیر ارزشمند جامع البیان عن تأویل آی القرآن، گونه‌کم‌نظیری از تفسیر را به مسلمانان تاریخ ارائه نموده است. ۷

انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی بر اساس برنامه راهبردی مندرج در اساسنامه متعهد است جهت ارتقای فرهنگ قرآنی در سطح عامه مردم و نیز به‌طور خاص توسعه فرهنگ دانشجویان و علاقه‌مندان به قرآن کریم فعالیت نماید. در این میان مطالعه و تبیین ابعاد و ویژگی تفاسیر و مفسران مختلف و نیز بررسی روش‌های تفسیری در شمار مهم‌ترین مأموریت‌های انجمن به‌شمار می‌رود.

تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن و نویسنده این کتاب تفسیری از جهات مختلفی اهمیت دارند و در سنت تفسیری مسلمانان تأثیرگذار بوده‌اند. در واقع، محمدبن جریر طبری دانشمند مسلمان سده سوم هجری، علاوه بر تفسیر در حدیث و تاریخ و فقه تبحر و تخصص داشته و در آن علوم نیز آثار گرانمایی تألیف کرده است. تفسیر جامع البیان عن تأویل آی القرآن که به تفسیر طبری مشهور است، به لحاظ روش‌شناسی از سوی بسیاری از محققان مورد مطالعه قرار گرفته است؛ لکن به‌نظر

می‌رسد اندیشمند فلسطینی‌الاصل فتحی الدیرینی از منظر و دیدگاه ویژه‌تری این اثر را مورد پژوهش قرار داده است. ترجمه مقالات فتحی الدیرینی در خصوص روش‌شناسی تفسیر طبری، فعالیت پژوهشی ارزشمندی است که به اهتمام اعضای انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی انجام شده و اینک به جامعه علمی و قرآنی ایران بزرگ تقدیم می‌گردد. امید است ترجمه این اثر و نیز آثار دیگر پژوهشگران جهان اسلام، موجبات ارتقای فرهنگ قرآنی و نیز آشنایی نزدیک با دیدگاه‌های اندیشمندان جهان اسلام را فراهم نماید.

من الله التوفيق وعلى الله التكلان

انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی

مقدمه ترجمه

محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق) از جمله مفسران برجسته قرآن کریم است که افزون بر حوزه تفسیر در عرصه علم تاریخ، حدیث و فقه تبحر داشت. تفسیر طبری موسوم به جامع البیان فی تفسیر القرآن که طبری خود آن را جامع البیان عن تأویل آی القرآن نامیده است، مهمترین اثر وی بر شمرده می شود. طبری در مقدمه تفسیر خود به شکل مبسوطی به طرح مباحث مربوط به تفسیر پرداخته است. مقولاتی از قبیل: انواع و اقسام تأویل، شرایط جواز وضع تفسیر، کیفیت اتفاق معانی و خصوصیات لسانی و سبک بیانی قرآن، و نیز نهی از تفسیر به رأی در شرایطی که احادیث و اخبار به شرح و بسط آیات پرداخته اند؛ از این رو از مهمترین ابعاد این تفسیر توجیه اقوال صحابه و تابعین در تفسیر آیات است. از آنجا که طبری حافظ و محدثی توانمند است، در بسیاری از موارد با دقت در مفهوم اخبار و بررسی آن ها استنباط خود را به عنوان قول مرجح بیان کرده و به اقامه دلیل و ذکر شواهد اهتمام ورزیده است. تفسیر طبری دایرة المعارفی است از تفاسیر مأثور که علاوه بر روایت تفسیری، مشتمل بر نقد و ارزیابی و ترجیح اقوال است و درست از همین رو می توان او را دارای سبک و شیوة تفسیری خاص خود دانست.

اثر حاضر ترجمه مقاله «الامام الطبری و منهجه العلمی فی التفسیر» یکی از مقالات کتاب دراسات و بحوث فی الفكر العربی الاسلامی المعاصر نوشته محمد فتحی الدربنی است. این کتاب در سال ۱۴۰۸ق در دار قتیبه بیروت به چاپ رسیده است. ﷻ

فتحی الدربنی (۱۹۲۳-۲۰۱۳م) نویسنده فلسطینی تبار علاوه بر تخصص در علوم حقوقی و سیاسی، در اصول فقه اسلامی نیز مهارت داشت. وی از شاگردان شیخ طه

الدیناری، رئیس دانشکده حقوق و شریعت دانشگاه الازهر به‌شمار می‌رود. الدیناری شاگرد خود را یک بنیادگرا، محقق دقیق و توانمند، پژوهشگری باهوش، با استدلال قوی و با بیانی روشن توصیف می‌کند و معتقد است او در کنار این اوصاف به پاکی ایمان و بندگی خالصانه آراسته است. فتحی الدرینی یکی از مدعیان تقریب بین مذاهب اسلامی است. وی دارای تألیفات متعددی است که آشنایی با عناوین آن می‌تواند تا حدودی از نگاه وی نسبت به مسائلی از این دست پرده بردارد. از جمله آثار درینی می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- خصائص التشريع الاسلامی فی السياسة و الحكم (۱۹۹۴م)

- بحوث مقارنة فی الفقه الاسلامی و أصوله (۱۹۹۵م)

- المناهج الاصولیه فی الاجتهاد بالرأی فی التشريع الاسلامی (۱۹۹۶م)

- نظرية التعسف فی استعمال الحق (۱۹۹۶م)

- الحق و مدى سلطان الدولة فی تقييده (۱۹۹۷م)

- بحوث و دراسات فی الفقه الاسلامی المعاصر (۱۹۹۸م)

✕ فتحی الدرینی در مقاله «الامام الطبري و منهجه العلمی فی التفسیر» علی‌رغم تلاش برای بیان شیوه‌های تفسیری طبری در بررسی‌های تطبیقی خود با آثار دیگر مفسرین، به بیان اجمالی دیدگاه آنان نیز اشاره کرده است و در ذیل شرح روش‌های تفسیری طبری، گاه به شکل مبسوط به بیان دیدگاه‌های خود نیز پرداخته است. نکته مهم دیگر این است که وی مطلقاً از جایگاه درون‌دینی به بیان نظرات خود پرداخته است و لذا مطالب وی چه در مقام تأیید و چه در جایگاه تبیین گزاره‌ها و شیوه‌های تفسیری و حتی امور نفسانی و روان‌شناسی انسانی، می‌تواند راه‌گشای مؤمنان تلقی شود و نباید از آن انتظار پاسخ‌هایی برای شبهات برون‌دینی داشت.

استادهای مختلف محمد فتحی الدرینی به آیات متعدد قرآن بدون در نظر گرفتن فضای گفتمانی آیات و اسباب نزول نشان می‌دهد که او برای توضیح روش تفسیری طبری چندان پایبند قواعدی نیست که خود در این مقاله برای طبری ترسیم کرده است و این نکته‌ای است که خواننده این سطور باید مدنظر داشته باشد.

اما توضیحات وی در خصوص تفسیر و تفاوت آن با تأویل و حدود و ثغور «رای» مفسر یا مؤول در هر موضوع می‌تواند تا حد زیادی رافع سوء تفاهماتی باشد که از این عنوان، در اذهان گروهبانی از مسلمانان همچنان جای دارد و گام مؤثری در راه نزدیکی مذاهب مختلف مسلمانان باشد که این خود امری ضروری و مهم برای گفت‌وگوهای دانش‌محور است.

الدینی در طی توضیحات خود در خصوص شیوه‌های تفسیری علی‌رغم افتادن در دام تکرار مطالب؛ اما ایده‌هایی راهگشا ارائه می‌دهد؛ از جمله: دانش‌های فرعی مفسر و تأثیر آن در تفسیر، تطبیق پاسخ‌گویی تفاسیر با آگاهی‌های حاصله در هر عصر، پیش‌فرض‌های مفسر و ترک عامدانه تبیین آیات از جانب رسول صلی الله علیه و آله برای اجتهاد.

اما شایسته است خوانندگان این نوشتار پیش از مطالعه به نکات زیر توجه نمایند: از آن‌جا که در این کتاب به‌کرات به آیات قرآن، استناد یا ارجاع داده شده این نکته مورد توجه بوده است که به‌دلیل حساسیت مباحث و همچنین جهت تمرکز و انسجام مطالعاتی مخاطبان، ترجمه آیات بلافاصله بعد از آن آورده شود. قابل ذکر است در ترجمه آیات از ترجمه عبدالحمید آیتی استفاده شده است.

همچنین یادآور می‌شود پیشنوذهای احترام افراد مانند «امام» (امام طبری، امام شافعی و ...) به رسم عدم ذکر آن‌ها در نوشتارهای علمی فارسی حذف شده است؛ اما برای روشن‌شدن دیدگاه نویسنده در خصوص شخصیت‌هایی که از آن‌ها نام می‌برد، علائم احترام به همان شکل آورده شده است؛ به جز علامت احترام برای پیامبر اسلام که نویسنده محترم به شکل صلی الله علیه و آله آورده بود و تعبیر «آله» بدان افزوده شد.

مطلب دیگر آن‌که نویسنده محترم التزامی به درج دقیق پاورقی‌ها نداشته است و آدرس‌دهی ارجاعات بسیار نامنظم و آشفته بود، به‌خصوص آنکه درینی از چند نسخه تفسیر طبری استفاده کرده و در برخی پاورقی‌ها اشاره‌ای به نسخه استفاده‌شده نکرده بود؛ لذا به‌دلیل عدم ذکر فهرست منابع و مآخذ در پایان مقاله و حتی خاتمه کتاب؛ علی‌رغم صرف وقت بسیار، تلاش مترجمان برای نظم‌بخشی علمی به پاورقی‌ها چندان که باید به نتیجه مطلوب نرسید. این آشفتگی در متن نیز هویدا بود و برخی نقل‌قول‌های مستقیم

فقط درون گیومه قرار داشتند، بدون آنکه ارجاعی برای آن آورده شود.

مطلب آخر آنکه به دلیل طولانی‌بودن مقاله، مترجمان برخی از عناوین را به متن افزودند تا خوانندگان در پیگیری سیر مطالب دچار سردرگمی نشوند.

در پایان متذکر می‌شود این ترجمه حاصل تلاش چند تن از اعضای کمیته مطالعات ترجمه عربی وابسته به انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی است؛ لذا به رسم ادب از جناب آقای دکتر محسن قاسم‌پور، ریاست محترم انجمن، و خانم دکتر فروغ پارسا مسئول بخش پژوهش انجمن، برای همراهی صمیمانه و فراهم کردن فرصت ترجمه اثر فوق و همچنین خانم دکتر مریم قبادی که ارزیابی این اثر را تقبل نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

در خاتمه خاطر نشان می‌شود قلم نه‌چندان ساده نویسنده متن، گاه مترجمان را در تنگنای انتخاب معادل و کلمات جایگزین قرار می‌داد؛ اما از آنجاکه علی‌رغم دقت در حفظ قلم و فضای گفتمانی، هر متنی همواره به پالایش و تصحیح نیاز دارد؛ لذا مترجمان پیشاپیش از عزیزی که در این مسیر همت می‌گمارند صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایند.

هاله بادینده/ زمستان ۱۴۰۰

گفتار اول

ویژگی‌های روش علمی طبری در تفسیر قرآن کریم

فاضله میرغفوریان

مقدمه

یکی از ارزشمندترین میراث‌های برجای‌مانده از متقدمان، موسوعه تفسیری قرآن کریم اثر «امام محمد بن جریر طبری»^۱ است. این مجموعه در ۳۰ مجلد و در قطع رحلی با عنوان جامع البیان عن تأویل آی القرآن به چاپ رسیده است.^۲

در ابتدا از ظواهر این تفسیر ارزشمند به نظر می‌رسد که به‌طور کلی تفسیر طبری از جمله تفاسیر ماثور (اثری یا روایی) محض است؛ زیرا طبری در تفسیر خود به روایات بسیاری - به‌عنوان یک منبع علمی - معتبر استناد کرده است. وی از یک سو در تفسیر آیات قرآن و تبیین معانی و آشکارسازی حقایق آن اعم از بررسی دلالت واژگان یا تبیین ارتباط میان عبارات و کلمات منسجم قرآنی، و از سوی دیگر برای ارتباط بخشی شایسته و

۱. طبری در سال ۲۲۴ق در شهر آمل مرکز استان طبرستان چشم به جهان گشود و بر اساس قول مشهور در سال ۳۱۰ق وفات یافت. (السبکی، طبقات الشافعیة: ج ۲، ص ۱۳۵؛ السیوطی، طبقات المفسرین، ص ۳۰؛ الخطیب البغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۱۶۲؛ یاقوت الحموی، معجم البلدان، ج ۱۸، ص ۹۴؛ ابن حجر، لسان المیزان، ج ۵، ص ۱۰۲۹؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۳۳۲).

۲. این اثر یک‌بار در سال ۱۲۳۵ق در المطبعة الامیریة بولاق مصر به چاپ رسیده و در حاشیه آن تفسیر نیشابوری نیز آورده شده است و باز دیگر در سال ۱۳۷۴ق در مطبعة دارالمعارف مصر، با تحقیق و تعلیق استاد محقق مرحوم محمود محمد شاکر و تصحیح استاد احمد محمد شاکر به زیور طبع آراسته شده است.

کامل میان آیات با فضای کلی حاکم بر آیه، از روایات بهره برده است. به اعتقاد نگارنده، اگرچه بر اساس بسامد بالای این روایات گمان می‌رود که تفسیر طبری از جمله تفاسیر مأثور است، چنان‌که گروهی از محدثان و برخی از مستشرقان در دائرةالمعارف اسلامی^۳ و پیش از آن‌ها علامه ابن‌خلدون^۴ بر این امر تأکید ورزیده‌اند تا آنجا که طبری را از جمله مؤلفین تفسیر مأثور برمی‌شمردند؛ اما به نظر می‌رسد این دیدگاه، دیدگاهی سطحی و شتاب‌زده است و چنین برداشت ظاهرینانه‌ای با «روش علمی» طبری در تفسیر هم‌خوانی ندارد؛ زیرا او تفسیر خود را مبتنی بر قواعد مشخصی نگاشته است که ناشی از طبیعت خود قرآن کریم و ویژگی‌های بیانی آن است. همچنین وی به اقتضانات شرایط نزول آیات در طول ۲۳ سال که به آن «اسباب‌النزول» اطلاق می‌شود توجه داشته است؛ زیرا آگاهی به اسباب‌النزول به مخاطب کمک می‌کند تا از [بافت] «موقعیتی» که موجب شده تا یک آیه با محتوای تشریعی خاص نازل شود، درک صحیحی به دست آورد. تشریعاتی که گاه قانونی را جایگزین قانون دیگری می‌کند و گاه به دلیل آنکه آن قانون اساساً از نشانه‌های جاهلیت فاسد است، به‌طورکلی آن را نسخ کرده و از بین می‌برد.

طبری از طریق شناخت شرایط نزول آیات به درک جهت‌گیری و اهداف قانونگذاری جدید در مسیر ایجاد اصلاحات اجتماعی و تحقق خیر برای همه بشریت نیز دست می‌یابد که درباره آن در بخش‌های بعدی به تفصیل سخن خواهیم گفت. این‌ها همه مواردی هستند که طبری در تفسیر خود بدان اهتمام داشته است و با پندار گروهی که اصرار می‌ورزند وی را در زمره «مؤلفان تفسیر مأثور» قرار دهند؛ هم‌خوانی ندارد. [در واقع] داشتن این دیدگاه مستلزم نادیده‌گرفتن «شخصیت علمی» اوست؛ زیرا بر اساس این گمان اشتباه، او تنها ناقل و جامع روایات و سپس تدوین‌کننده نقل قول‌هاست و این با واقعیت عملکرد وی در نوع تعامل با متن و سند روایات تفسیری منقول از پیامبر اکرم ﷺ یا «دیدگاه» وی نسبت به آراء اجتهدی منقول از علمای صحابه و شاگردان

۳. دائرةالمعارف الاسلامی، بیروت: دارالمعرفه، ج ۵، ص ۳۵۰.

۴. ابن‌خلدون، المقدمة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ص ۳۸۳ به بعد؛ احمد امین، ضحی الاسلام، ج ۲، ص ۱۴۵.

آن‌ها اعم از ائمه تابعین^۵ و اندیشمندان مسلمان متأخر^۶ تناقض دارد. با دقت نظر در «کثرت روایات تفسیری» که طبری بدان استناد کرده است، می‌توان دریافت که قصد وی از جمع‌آوری همه روایات اعم از روایات متفق‌المعنی یا متناقض، «استقصاء» و بررسی محتوایی یا لغوی معانی واژگان، عبارات یا آیات و نیز فهم آراء اجتهادی صادره از امامان تفسیری ثقه بوده است. به اعتقاد نگارنده با دقت در این تفسیر، روشن می‌شود که هدف طبری از جمع‌آوری، استقصاء و تدوین روایات، این بوده است که به نقد، غربالگری، گزینش روایات قوی‌تر یا ردّ روایات ضعیفی پردازد که بر اصل شرعی ثابتی استوار نیستند. ملاحظه می‌شود که وی برای رویکرد خود درخصوص ترجیح یا ردّ روایات، قاطعانه و بدون هیچ‌گونه تردیدی دلیل می‌آورد تا آن‌جا که حتی شاگردان ثقه ابن عباس همچون مجاهد^۷ که از تابعان و پیشگامان معروف تفسیر و صاحب‌نظران در این علم به‌شمار می‌رود، از نقد او در امان نمی‌ماند.

واقعیت این است که نمی‌توان درباره روش بررسی یک موضوع و ارزش علمی و منطقی آن حکم صادر کرد؛ مگر آنکه طبیعت موضوع و ویژگی‌های آن از سوی پژوهشگر مورد توجه قرار گیرد. شاید یکی از بارزترین خصوصیات متن قرآن کریم مخاطب قرار دادن همه بشریت در کل هستی است و این مهم در سراسر متن قرآن کاملاً مشهود است. علمای علم اصول از بررسی مدلول حکم شرعی حاصل از خطاب‌های الهی اعم از عقاید، اصول عام، ارشادات و تکالیف چه به‌صورت نص صریح باشد چه به‌صورت ضمنی؛ به این نتیجه رسیده‌اند که «خطابات خداوند متعال درباره اعمال مکلفین»،^۸ نشان‌دهنده این است که قرآن کریم از یک‌سو به بخش عملی زندگی انسان توجه «ویژه‌ای» دارد و از سوی دیگر از اصول عام تشریعی در کنار عقاید، عبادات و

۵. الطبری، جامع‌البیان، مصر: المطبعة الاميرية، ج ۱، ص ۲۵۳ و ۲۶۴.

۶. همان، ج ۱۵، ص ۹۰.

۷. الطبری، جامع‌البیان، مصر: المطبعة الاميرية، ج ۱، ص ۲۵۳، توثیق بخاری از او با وجود سخت‌گیری‌اش در پذیرش روایات صحیح بر این مطلب دلالت دارد که طبری از جمله ثقات است.

۸. بنگرید به: منابع علم اصول، باب حکم شرعی.

آداب برای ارتقاء بخش معنوی انسان بهره‌مند می‌شود تا میان آن دو بخش توازن ایجاد کند و انسان به هدف غایی خلقت رهنمون شود. از این رو شایسته است که این مسئله به عنوان یک اصل اساسی در روش علمی تفسیر قرآن مورد توجه قرار گیرد تا تفسیر با اقتضانات قرآنی تناقضی نداشته باشد.

افزون بر آنچه بیان شد قرآن کریم نفس انسان را دارای آمال و آرزوهای برانگیزاننده‌ای می‌داند که همواره او را در راستای تحقق بخشی به آرزوهایش تشویق می‌کند تا از این طریق به درجه‌ای از کمال برسد که بتواند معنای انسانیت را در ساحت‌های مختلف زندگی عینیت بخشد. این مهم از جمله اموری است که انسان به حکم فطرت خود، مشتاقانه به آن می‌اندیشد و به عنوان ارزش بدان می‌نگرد، البته مشروط بر این که بقایای محیط موروثی، سنت‌های ساختگی، آداب و رسوم کهنه و نخ‌نما شده، امیال فاسد و تفکرات گمراه‌کننده او را از هدفش منحرف نسازد.

مطلب دیگر آنکه خطاب الهی دربرگیرنده همه ابعاد فعالیت‌های انسان اعم از عقاید، عبادات، آداب و تشریعات عملی است که مصالح حقیقی حیاتی، جدی، معقول و متنوع انسان را محقق می‌سازد و به آن جهت می‌دهد تا بدین وسیله به بخش عملی حیات وی به شکل ویژه قوام بخشد و موجب شود تا انسان به عبرت‌های برگرفته از تجارب و قصص پیشینیان از ابتدای خلقت توجه کند و اهتمام ورزد، تجاربی که نتیجه حتمی و مسلم سنت‌های اجتماعی و تکوینی ثابت‌اند و هرگز تغییر نمی‌کنند. به همین دلیل است که بر ضرورت بررسی و مطالعه این سنن و تلاش برای فهم اقتضانات آن تأکید می‌شود؛ چراکه ایمان به سنت‌های تکوینی الهی به میزان ایمان به احکام شرعی ارزشمند است و از جمله اموری است که سطح علم و تعمق در آن بنا به اختلاف سطح دانش و بینش هر مفسر و سطوح مختلف توانمندی فکری او که متأثر از پیشرفت‌ها و تحولات علمی هر دوره است، متفاوت می‌شود. به باور نگارنده خطابات که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متوجه نفس انسانی است، دلالت‌های لغوی و عقلی متعددی دارد که هریک از آن‌ها ناظر بر بخشی از زندگی انسان است و در نهایت به رهبری جامعه بشری در هر عصر مرتبط می‌شود. اولویت یک رهبر، باید رسیدگی به امور اعتقادی مردم

باشد به این دلیل که عقاید عامل اصلی تلاش مسنولانه است تا جامعه به حدی از رشد برسد که انسان‌ها در هر نوع زندگی اجتماعی بتوانند بر اساس اصول اعتقادی‌شان رفتار کنند. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾^۹

(هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد).

در این حالت است که اعتقاد، جایگاه نخست را در رفتار اجتماعی به خود اختصاص می‌دهد و فقط در حد یک تفکر متافیزیکی مجرد و منفصل از واقعیت زندگی باقی نمی‌ماند. همچنین این خطاب الهی اصولی را پی‌ریزی می‌کند که آزادی مسنولانه و مساوات واقعی میان ملت‌ها مبتنی بر کرامت انسانی را تقویت کند، کرامتی که خاستگاه حقوق بشر و عدالت مطلق است و عدالتی که به دلیل سرشت انسان‌ها، حق محض مشترک میان آنان به‌شمار می‌رود و اختلافات دینی، نژادی، رنگی، قومیتی، فرقه‌ای، مذهبی یا دوستی و نزدیکی و حتی دشمنی نمی‌تواند بر میزان آن تأثیری بگذارد؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ﴾^{۱۰}

(دشمنی با گروهی دیگر وادارتان نکند که عدالت نورزید. عدالت ورزید که به تقوی نزدیک‌تر است).

این آیه بر «مطلقیت مفهوم عدالت» در قرآن کریم اشاره روشنی دارد و بر اجرای آن در جامعه تأکید می‌ورزد و نشان می‌دهد که تحقق عدالت با مفهوم تقوای دینی مدنظر قرآن کاملاً مرتبط است. به این معنا که «تقوای» عملی و واقعی منوط به برپاداشتن عدالت مطلق میان انسان‌هاست و این نشان‌دهنده توجه قرآن به بعد عملی و رفتاری زندگی انسان و تجلی اعتقادات در جامعه به بهترین و رشدیافته‌ترین شکل آن است. این امر بر معنایی که پیشتر در مورد آن سخن گفتیم؛ یعنی عقیده عملی تأکید می‌کند -

ویژگی‌ای که تنها به اسلام اختصاص دارد - بدین شرح که «عقاید» در قرآن کریم، تنها امری «باطنی» نبوده؛ بلکه از جهت طبیعی و شرعی ارتباط محکمی با واقعیت زندگی دارد، ارتباطی از نوع ارتباط روح با جسم یا به تعبیر اصولیون ارتباط باطن با ظاهر، به‌گونه‌ای که در عالم خارج جدایی میان آن‌ها از جهت نظری متصور نیست و نباید میان آن دو از جهت عملی نیز انفصالی باشد. از همین جاست که صحت و فساد افعالی چون عقود و سایر رفتارها بر اساس نیت انسان سنجیده می‌شود؛^{۱۱} چراکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند: «[ارزش] اعمال بر اساس نیت است و برای هر انسانی به میزان قصد و نیتش [پاداش] خواهد بود»^{۱۲} تا بر اساس عامل برانگیزاننده‌ای مانند «تقوی»، علاوه بر تقویت اصول اعتقادی و هدایت ظرفیت‌های روحی و نفسانی در انسان و نیز پاکسازی و تزکیه آن از آلودگی‌های احتمالی مانند شرور و امیال نفسانی و احياناً گمراهی‌های فکری و آمیختن حق و باطل با هم، نتایج و ثمرات دنیوی و قانونی به بار آورد.^{۱۳}

اما طبری درخصوص اصول اعتقادی به‌عنوان عامل هدایت‌گر و جهت‌دهنده ظرفیت‌های روحی، در ذیل تفسیر آیه کریمه:

﴿وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذَلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾^{۱۴}

(اموال یکدیگر را به ناشایست مخورید و آن را به رشوت به حاکمان دهید تا بدان سبب اموال گروهی دیگر را به ناحق بخورید و شما خود می‌دانید)،

با استفاده از روایات منقول از تابعین به تمایز میان احکام فقهی و احکام اعتقادی اشاره

۱۱. ابن‌القیم الجوزیه، إعلام‌الموقعین، تحقیق: محیی‌الدین عبدالحمید، ج ۳، ص ۱۳۱؛ بنگرید به: الشاطبی، الموافقات، بیروت: دارالمعرفه.

۱۲. إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى.

۱۳. ابن‌القیم الجوزیه، إعلام‌الموقعین، ج ۳، ص ۱۱۰. همچنین آمده است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «إِنَّ مِنْ تَزْوِجِ امْرَأَةٍ بَصْدَاقِ بَنَى أَلَا يُوَدِّهِ فَهُوَ زَانٍ وَمَنْ أَدَانَ دِينًا أَلَا يَقْضِيهِ فَهُوَ سَارِقٌ» (اگر کسی زنی را با مهریه مشخصی به همسری بگیرد و نیت عدم پرداخت آن را داشته باشد؛ زناکار است و هرکس که با نیت برنگرداندن قرض کند؛ سارق است) یعنی در حقیقت مانند زناکار و سارق است.

۱۴. بقره/۱۸۸.

می‌کند و از حسن بن یحیی به نقل از قتاده می‌نویسد: رسول خدا ﷺ در خصوص عبارت «وَتَذُلُّوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ» در آیه فوق فرمودند: «بخشی از مال برادرت را [به‌عنوان رشوه] به حاکم مده درحالی‌که می‌دانی تو ستمکاری و [آن مال از آن تو نیست]؛ چراکه قضاوت حاکم موجب نمی‌شود چیزی را که بر تو حرام بوده، حلال شود». ^{۱۵} قرآن کریم از این ظرفیت‌های روحی پس از پاکسازی آن با دو عامل اصول عقاید و قوانین فقهی در راستای گسترش خیر برای همه انسان‌ها بهره می‌گیرد؛ چراکه برای روح تزکیه‌شده خالص، ظرفیت‌های شگفت‌آوری وجود دارد که به انسان قدرت می‌دهد تا به بالاترین درجات کمال ارتقاء یابد و این امر بر کنش‌های اجتماعی او نیز بسیار تأثیرگذار است.

بنا بر آنچه پیشتر بیان شد تردیدی نیست که بر اساس رویکرد عمیق انسان در قرآن کریم، عدالت مطلق دارای جایگاه و ارزش ویژه‌ای در جامعه بشری است. این جایگاه از یک سو بالاتر از تعصبات دینی، نژادی و فرقه‌ای و از سوی دیگر فراتر از احساسات و عواطفی مانند دوستی، دشمنی، نزدیکی است. قرآن این گونه موانع و مشکلات جدی در راه تحقق «رسالت» خود برای انجام اصلاحات اجتماعی را از میان برمی‌دارد و پایه‌های تمدن انسانی عینیت‌گرای محضی را بنیان می‌نهد که به زمان، مکان و انسان‌های خاصی تعلق ندارد و بدین‌وسیله زمینه تعاون و همکاری ضروری و مشترک در راستای خیرخواهی برای همه بشریت را فراهم می‌کند که این امر قطعاً عامل پیوند تمدن‌هاست، و انسان در سایه آن به تبادل منافع مادی و معنوی می‌پردازد، تبادلی عادلانه که نیاز بعضی از کشورها را با ثروت کشورهای دیگر جبران کند. به این دلیل که ثروت‌های مادی در بخش‌های مختلف کره زمین تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، پیشرفت یا عقب‌ماندگی [جوامع] در عرصه‌های علمی و فرهنگی متنوع است. این همان تکاملی است که شرایط «زندگی انسانی» در پیدایش اولیه و تفاوت محیط زندگی یا شرایط تکوینی اقتضا داشته است. موضوعی که در خطاب الهی برای همه انسان‌ها؛ نه بر اساس ایمان‌شان که بر اساس انسانیت آن‌ها مورد توجه است؛ چراکه به مسئله اصل خلقت انسان فارغ از مرد یا

۱۵. لا تدل بمال أخیک إلى الحاکم، و أنت تعلم أنك ظالم، فإن قضاءه لا یحل لک شیئاً، کان حرام علیک.

زن بودن مرتبط می‌شود. آنجا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾^{۱۶}

(ای مردم، ما شما را از نری و ماده‌ای بیافریدیم و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید).

منظور از تعارف، هم‌یاری در عرصه انسانی و جهانی است و برای انسان دارای تعقل قوی و آگاه، درک هدف مورد نظر قرآن بر اساس این آموزه‌ها امر دشواری نیست؛ چراکه او می‌داند زندگی انسان یک واحد منسجم کامل در اقصی نقاط زمین است، به‌ویژه آن‌که «اصول اخلاقی» برخاسته از «احساس فطری»^{۱۷} انسان، آن را قوام بخشیده و پایه‌های آن را تثبیت کرده و پیوندهایش را محکم کرده باشد. اصولی که ارزش و اعتبار خود را از مفاهیمی همچون رحمت، تعهد نسبت به یکدیگر، ایثار، احسان که در اصل تحقق و اقتضاناتش در تعاملات بالاتر از عدل محض است، صدق، اخلاص، استواری در کار و انجام صحیح عمل، پایبندی کامل در وفاداری به تعهدات اجتماعی و اخلاقی در صحنه داخلی یا رعایت مساوات میان طرفین در معاهدات بسته‌شده در عرصه روابط بین‌المللی اخذ می‌کند و از عواملی چون فساد، فریبکاری، نیرنگ، ظلم، افراطی‌گری، زورگویی و استضعاف در سایه سلطه‌گری و استکبار مبرا است؛ چراکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^{۱۸}

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌ها وفا کنید).

علاوه بر این، تعهد به این اصول و ارزش‌های عینی محض و اعتقاد به اصل و اجرای آن در هر مکان و زمان و برای همه انسان‌ها تا ابد ضامن سیادت و عزت امت مسلمان و نیز قدرت آنان در عرصه داخلی یا بین‌المللی است.

۱۶. حجرات/۱۳.

۱۷. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾ (بلکه آدمی خوشتن خویش را نیک می‌شناسد)، (قیامة/۴).

۱۸. مانده/۱.

از سوی دیگر شاید همین «تسامح دینی» در برابر مخالفان از بارزترین ویژگی‌های آیات هدایت‌بخش قرآن باشد، تسامحی که نیکی و عدالت را تا زمانی که محارب نباشند در حق آنان واجب می‌داند. این‌گونه است که می‌توان بر تعصبات دینی و مذهبی و بحران‌های قومیتی فائق آمد. بحران‌هایی که امروزه بسیاری از ملت‌های کره زمین از مصیبت‌ها، شرور و جنایات آن در امان نیستند و این یکی از آثار استعمار است که از سیاست معروف ایجاد تفرقه برای ضعیف‌کردن و ناتوان‌شمردن دیگران بهره می‌برد تا بتواند سرزمین‌های اسلامی را اشغال کرده و میراث آنان را به یغما برد و بر سلطه‌گری و اشاعه ظلم و فساد خود بیفزاید تا آنجا که سرانجام به ریختن خون‌های بسیار، قتل‌عام، آوارگی و تخریب آثار تمدن اسلامی بینجامد. این همان امری است که قرآن کریم از آن به تجاوز، ظلم و فساد بر روی زمین^{۱۹} با اعمال خشونت و نیروی سلاح یاد می‌کند تا تجاوزگران و ظالمان بتوانند قانون جنگل به دور از عقلانیت را اجرا کنند، قانونی که قرآن از آن به «حکم جاهلیت» تعبیر می‌کند.^{۲۰}

به عقیده نگارنده - همان‌گونه که پیشتر بیان کردیم - قرآن کریم همزمان با تقویت بخش عملی زندگی انسان از طریق تعالیم، حجت‌های روشن، اصول تشریع و مقاصد اساسی‌اش؛ به نیازهای روحی او یعنی توجه به ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی نیز پاسخ می‌دهد تا میان مطالبات جسم و روح با هم یا همان مطالبات زندگی مادی و نیازهای زندگی روحی و ارزش‌های انسانی جاودان، «توازن» ایجاد کند، بدون آن‌که اجازه دهد یکی بر دیگری برتری یابد. به این دلیل که قرآن کریم در تمایلات مادی، مشکلی را نمی‌بیند که سیر زندگی انسان را به مخاطره بیندازد و عقب‌ماندگی، ضعف یا محرومیت به بار آورد؛ زیرا خداوند متعال همه مخلوقات زمین را برای انسان خلق کرده و به او اجازه

۱۹. در این مقدمه مجال آن نیست که برای همه مسائلی که به آن اشاره کردیم شواهد و دلایلی از آیات قرآن کریم و سنت مطهر نبی اسلام ﷺ بیاوریم.

۲۰. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (آیا حکم جاهلیت را می‌جویند؟ برای آن مردمی که اهل یقین هستند چه حکمی از حکم خدا بهتر است؟)، (مانده/۵۰).

بهره‌برداری و استفاده از آن‌ها را داده است. این همان اصل حلیت عام است که محرمات از استثنائات آن اصل به‌شمار می‌رود و اگرچه که به تفصیل ذکر شده، اما موارد آن اندک و شمردنی است. کلام خداوند متعال نیز بر این مسئله دلالت دارد آنجا که می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾^{۲۱}

(اوست که همه چیزهایی را که در روی زمین است برایتان بیافرید).

و نیز می‌فرماید:

﴿وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ﴾^{۲۲}

(و خدا چیزهایی را که بر شما حرام شده است به تفصیل بیان کرده است، مگر آن‌گاه که ناچار گردید).

از سوی دیگر قرآن کریم، متن مرتبط به اصل حلیت عام: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ را در قالبی از منت‌نهادن بر انسان آورده است و این منت را در اكمال همه نعمت‌های مادی و معنوی یا به عبارت دیگر نعمت‌های ظاهری و باطنی دانسته است تا بدین طریق همه انواع و اقسام نعمت‌ها را شامل شود:

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^{۲۳}

(و نعمت‌های خود را چه آشکار و چه پنهان به تمامی بر شما ارزانی داشته است).

علاوه بر آن بر تسخیر به معنای غلبه و استیلاء واقعی و آشکار انسان بر همه مخلوقات آسمان‌ها و زمین تصریح کرده است:

﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾^{۲۴}

(و رام شما ساخت آنچه در آسمان‌هاست و آنچه در زمین است).

به این معنا که آسمان‌ها و زمین ابزارهایی برای بهره‌برداری و استفاده انسان‌اند تا او در طی جست‌وجو یا کاوش علمی خود به سنن ثابت و عام حاکم بر همه موجودات هستی

۲۱. بقره/۲۹.

۲۲. انعام/۱۱۹.

۲۳. لقمان/۲۰.

۲۴. جائیه/۱۳.

و گستره کهکشان‌ها پی ببرد. افزون بر این شایسته است از دستاوردهای علمی گوناگون حاصل از پیشرفت علم، به دلایل عقلی روشن دال بر قدرت مطلق خداوند سبحان و شگفتی‌های مخلوقات او دست یابد و شاید قول خداوند متعال که می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۱

(هر آینه از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می‌ترسند)

اشاره به همین معنا باشد که از یک‌سو پیشرفت و تحول علمی در عرصه‌های مختلف در هر عصری تأثیر به‌سزایی بر تحکیم عقاید انسان دارد و از سویی دیگر این امکان را به عقل می‌دهد تا معانی آیات قرآن را به‌خوبی درک کند، محتوای آن را وسعت بخشد، ژرفای مفاهیم آن را دریابد و دلالت‌ها و معانی و مقاصد دور آن را کشف کند.

بنابراین واضح است که قرآن کریم «بزرگترین مشکل انسان» را از یک‌سو عدم «توازن» میان آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی محض و از سوی دیگر مطالبات زندگی مادی و نیازهای آن می‌داند و از اینجاست که آموزه‌های قرآنی مطلقاً اجازه افراط یا غلو در یکی از این دو را نمی‌دهد؛ به این معنا که نمی‌پذیرد، انسان به زندگی مادی و سرسپردگی در برابر آن توجه ویژه داشته باشد و آن را بالاتر از ارزش‌های واقعی بداند. همان‌گونه که جایز نمی‌داند که در توجه به بعد روحی راه غلو و اسراف را بپیماید.^۲ به‌گونه‌ای که به انزوا از زندگی دنیا یا تحقیر و بی‌اعتنایی به آن بینجامد و شایسته نیست که هیچ انسانی دنیای خود را تحقیر کند، درحالی‌که برای آن خلق شده است و نباید کسی این توهم را در خود راه دهد که زهد نسبت به دنیا و امتناع از آن یا بی‌توجهی به آن موجبات تقرب و نزدیکی او به خداوند را فراهم می‌آورد. حال آن‌که درواقع این امر عصیان و مخالفت امر پروردگار

۱. فاطر/۲۸.

۲. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ تَفْصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (بگو: چه کسی لباس‌هایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و خوردنی‌های خوش طعم را حرام کرده است؟ بگو: این چیزها در این دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و در روز قیامت نیز خاص آن‌ها باشد). (اعراف/۳۲).

است. به این دلیل که با این تفکر انسان از «رسالت» خود به‌عنوان خلیفه خداوند در دنیا شانه خالی می‌کند، در حالی که بنا بر نص صریح قرآن این رسالت «امانتی» بوده است که بر دوش وی نهاده شده و انسان بر اداء آن به‌عنوان یک تکلیف پیمان بسته است و این امانت در طول حیات فرد وسیله‌ای برای آزمودن او در راستای صدق عبودیت نسبت به پروردگار می‌باشد. از سوی دیگر این رسالت همزمان وسیله‌ای عملی است برای تحقق عزت و سیادت انسان در دنیا تا به اصلاح و آبادانی آن پردازد. به‌دلیل آنکه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ﴾^۱

(ما این امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، از تحمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، انسان آن امانت بر دوش گرفت).

این رسالت با تأکید بر خردمندی انسان جایگاه حقیقی وی را در زمین تبیین می‌کند و انسان هوشمند متفکر را از اندیشه فناء ابدی هولناک می‌رهاند.

بی‌تردید با آشکارسازی «توازن» موجود در تعالیم و آموزه‌های این کتاب عزیز، بزرگترین مشکل جامعه بشری از ابتدای خلقت مرتفع می‌شود، بدین‌گونه که این کتاب به همه اقتضانات ذاتی فطرت انسانی، اعم از ظاهری و باطنی، جسمی و روحی به‌صورت عملی و ثابت بدون اعمال سختگیری و حرجی در عملکرد وی توجه می‌کند؛ چراکه آگاهی عمیقی به همه اسرار نفس انسانی و تمایلات آن دارد. خداوند متعال نیز می‌فرماید:

﴿أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾^۲

(آیا آن‌که آفریده نمی‌داند؟ حال آنکه او باریک‌بین و آگاه است).

و همچنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبَلٍ

الْوَرِيدُ^۱

(ما آدمی را آفریده‌ایم و از وسوسه‌های نفس او آگاه هستیم، زیرا از رگ گردن به او نزدیک‌تریم).

و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ^۲﴾
(کتابی است با آیاتی استوار و روشن از جانب حکیمی آگاه).

و نیز می‌فرماید:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ^۳﴾

(به یکتاپرستی روی به دین آور. فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است).

این آیه از مجموعه آیات دارای اعجاز بیانی است که تفصیل آن در این مجال نمی‌گنجد؛ اما تلاش می‌شود که به‌عنوان یک اصل معتبر در تفسیر علمی به آن توجه شود و با مقتضای آن تناقضی نداشته باشد که در غیر این صورت تفسیر از مفهوم حقیقت قرآنی و دلالت‌های آن خارج می‌شود.

اگر «اساس این جمع» [بین اقتضانات جسمی و روحی انسان] واکاوی علمی شود، روشن می‌شود که جمعی مستحکم و شایسته میان «مبانی آرمانی» و «واقعیت زندگی انسان» صورت گرفته است تا هرگونه سختی و دشواری در دین را منتفی کند. همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ^۴﴾
(و برایتان در دین هیچ تنگنایی پدید نیاورد).

۱. ۱۶/ق.

۲. هود/۱.

۳. روم/۳۰.

۴. حج/۷۸.

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَغْنَتْكُمُ﴾^۱

(و اگر خدا بخواهد بر شما سخت می‌گیرد).

اما خداوند این به رنج‌افتادن را برای خلق خود اراده نکرده است و در این مسئله دلالتی روشن است بر اینکه مردم اجازه ندارند که خود را در شرایط عادی البته به استثناء شرایط جهاد در راه خدا، در ورطه دشواری‌های زندگی بیفکنند که خداوند متعال برای آنان اراده نکرده است.^۲ اما در جهاد، خداوند متعال از انسان‌ها یک ایثار ویژه می‌خواهد و آن تقدیم دو دارایی ارزشمند یعنی جان و مال است تا بدین وسیله از ارزش‌ها، آرمان‌ها، هستی، عزت و سیادت در جامعه حفاظت شود و مسلمانان از سرانجام و سرنوشتی نامیمون در دنیا و آخرت دور گردند. یکی دیگر از دلایل روشن بر این مسئله، مأموریت اصلی قرآن کریم در راستای فراهم آوردن اسباب تحقق عملی و استمرار اجرای تعالیم الهی با توجه به ظرفیت^۳ و توان بشری است؛ چراکه اجرای دستورات الهی، متوقف بر توانایی انسان است تا «سختی و دشواری» راه، او را از ادامه مسیر در اجرای تعالیم دینی باز ندارد که در غیر این صورت «سخن گفتن از حقی که قابلیت اجرا نداشته باشد مفید فایده نیست».^۴ به همین دلیل اصل عدم وجود حرج در انجام تکالیف یک اصل اصیل حاکم بر کل تشریعات است و اجازه [بر عدم انجام برخی تکالیف] در مواقع اضطراری

۱. بقره/۲۲۰.

۲. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾ (خدا نمی‌خواهد شما در رنج افتید، بلکه می‌خواهد که شما را پاکیزه سازد). (مانده/۶).

۳. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (خدا هیچ‌کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند). (بقره/۲۸۶). علاوه بر این، یکی از قواعد فقهی این است که: «المشقة تجلي التيسير» (مشقت، آسانی می‌آورد). (المجمله، ماده ۱۷؛ السيوطی، الأشباه والنظائر، ص ۸۴ و ۹۲)؛ و قاعده: «الحاجة تنزل منزلة الضرورة، عامة كانت أم خاصة» (نیاز، جانشین ضرورت است چه این ضرورت عام باشد چه خاص) (المجمله، ماده ۳۲؛ السيوطی، الأشباه والنظائر، ص ۹۷-۹۸).

۴. این سخن عمر بن خطاب است که در نامه‌ی وی به ابوموسی اشعری آمده است و شامل یک دستور دانی در قضاوت عادلانه است (ابن القيم الجوزیه، إعلام الموقعین، ج ۱، ص ۸۶ به بعد).

یا وجود سختی‌های زیاد و غیر معمول، تبصره‌هایی است که در ذیل قواعد و قوانین عام تشریعی قید می‌شوند. بنابراین تفسیر آیات قرآن [در قالب سنت پیامبر ﷺ] که حکم آن مربوط به معاملات و سایر امور مرتبط با زندگی دنیایی است بر همین اساس بیان شده است.

همچنین خداوند متعال برای ضمانت اجرایی این مسئله، آمادگی‌های فطری را در بهترین شکل در انسان ایجاد کرده است تا برای او شرایطی فراهم آورد که بتواند دستورات (تکالیف) را به آسانی و سهولت اجرا کند و بدین ترتیب با اقامه دلایل روشن و قاطع، راه هرگونه عذر و بهانه‌ای را بر انسان ببندد. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۱

(که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم).

و نیز می‌فرماید:

﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾^۲

(بلکه آدمی خویش‌شن خویشتن را نیک می‌شناسد، هر چند به زبان عذرها آورد).

و همچنین می‌فرماید:

﴿قَلِيلٌ مِّنَ الْعِزَّةِ جَمِيعًا﴾^۳

(دلیل محکم و رسا خاص خداست).

یکی از ویژگی‌های آموزه‌ها و دلالت‌های لغوی و عقلی (مفهومی) نص قرآن کریم آن است که این کتاب به هدایت و راهنمایی محض اکتفا نکرده است؛ بلکه [تشریع «حکم» و نظارت «بر اجرای احکام» را نیز بدان افزوده است تا در حقیقت بدین وسیله در «مرکز رهبری و هدایت زندگی انسان» قرار گیرد و شرایط دستیابی به «نتایج عملی» انجام تکالیف و سایر بخش‌های فعالیت‌های انسان را فراهم آورد.

بدین ترتیب ثمرات آموزه‌های قرآن به بار می‌نشیند به گونه‌ای که این تعالیم به عنوان

۱. تین/۴.

۲. قیامة/۱۴ و ۱۵.

۳. انعام/۱۴۹.

قوانین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی در سطح جامعه جریان می‌یابد و پاسخگوی همه اقتضانات زندگی آرمانی انسانی می‌شود؛ چراکه «حکم» در مفهوم قرآنی همه وجوه فعالیت‌های انسان را دربرمی‌گیرد و این اصلی است عمومی که باید در تفسیر قرآن مورد توجه قرار گیرد. این مسئله ضرورتاً به سطح دانش و بینش مفسر در هر عصر بستگی دارد؛ زیرا لازم است او در هنگام تفسیر آیات به سطحی ارتقاء یافته باشد که خطوط پیشرفت فرهنگی و تمدن در عصر وی ترسیم کرده است تا بتواند پاسخگوی همه نیازهای زمان خود باشد.

این‌گونه است که ملاحظه می‌شود متن قرآن در نظام اعجاز بیانی خود به‌نحوی عمل می‌کند که در محتوای خود «عینیت‌گرایی» و «دوام قوانین» و «استمرار تأثیرات» را حفظ کند. علاوه بر آن که میان روح و جسم، زندگی و دین، دنیا و آخرت یک ارتباط محکم و وثیق به‌وجود می‌آورد، ارتباطی کامل که هرگونه جدایی میان آن‌ها منتفی است. این متن عناصری را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا نسبت به منطقی‌بودن آموزه‌ها و تعالیم قرآنی قانع شود و عقلانیت هدف‌نهایی از خلقت انسان بر روی این کره خاکی را تفسیر کند و [در نهایت] پوچی، بیهودگی و فقدان عقلانیت متبلور در تفکر فناء ابدی هولناک را منتفی سازد. مصداق این امر قول خداوند متعال است که می‌فرماید:

﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَتْرَكَ سُذًى﴾^۱

(آیا انسان می‌پندارد که او را به حال خود وا گذاشته‌اند؟).

و نیز می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾^۲

(ما این آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست به بازیچه نیافریده‌ایم. آن‌ها را به حق آفریده‌ایم).

و همچنین می‌فرماید:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ

۱. قیامة/۳۶.

۲. دخان/۳۸ و ۳۹.

لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^۱

(بزرگوار و متعالی است خداوندی که فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. آن که مرگ و زندگی را بیافرید، تا بپایز مایدتان که کدام یک از شما به عمل نیکوتر است).

این حرکت منطقی و معقولی که قرآن کریم در راستای رسالت خود و در راه صلاح انسان و اصلاح هستی آغاز کرده است، نقطه عطفی در اصلاح نفس بشری به شمار می‌رود. نفسی که در چنگال تمایلات و هواهای نفسانی اسیر است؛ چراکه اصلاح هستی محقق نمی‌شود مگر با اصلاح موجودی که بر هستی مسلط بوده و جانشین واقعی خداوند در آن است؛ یعنی «انسان». از این روست که آیات بسیاری به مسئله نفس انسان می‌پردازد، البته پس از آن که او را از وجود دو مسیر خیر و شر آگاه ساخت. چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾^۲

(و دو راه پیش پایش نهادیم؟).

یعنی دو راه هدایت و ضلالت. البته تزکیه و رشد یا نابودی این نفس کاملاً مرهون اراده ذاتی صاحب آن است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^۳

(هر که در پاکی آن کوشید رستگار شد، و هر که در پلیدی‌اش فروپوشید نومید گردید).

درواقع خداوند با اختیار دادن به انسان او را بر سر یک دوراهی قرار داده است و از

۱. ملک/۲۰۱.

۲. بلد/۱۰.

۳. شمس/۹ و ۱۰.

اینکه راه‌ها و مسیرهای گوناگون او را از مسیر اصلی‌اش بازدارد، به وی هشدار می‌دهد^۱ و می‌فرماید:

﴿وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفْرَقَ بَيْنَكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ﴾^۲

(و به راه‌های گوناگون مروید که شما را از راه خدا پراکنده می‌سازد).

درحقیقت هیچ‌چیز به اندازه تعدد جهت‌گیری‌ها و تعارض اهداف و فساد اعتقادات، امت را متفرق و در راه‌های مختلف پراکنده نمی‌کند و هیچ‌چیز به اندازه داشتن هدف واحد و اعتقادات صحیح؛ به انسان‌ها استواری، قدرت و انسجام نمی‌بخشد که خداوند می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^۳

(و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده نشوید).

و نیز می‌فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾^۴

(این شریعت شماست، شریعتی یگانه. و من پروردگار شمایم، مرا پرستید).

به اعتقاد نگارنده آیات بسیاری با تقویت انگیزه‌های خیر در نفس انسان به او کمک می‌کند تا وی مسیر درست خود را بیابد و پیماید؛ چراکه انتخاب مسیر خود «موضوع آزمایش» در راه تلاش دنیوی مسئولانه انسان است:

﴿وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾^۵

(و شما را به خیر و شر می‌آزماییم).

۱. یعنی بدون وظیفه و تکلیف و به تعبیر شافعی: «لا یؤمر ولا ینهی» (مورد امر و نهی قرار نمی‌گیرد). (الشافعی، الرسالة، تحقیق و شرح: احمد محمد شاکر، القاهرة: مطبعة الحلبي، ۱۳۵۸ق/۱۹۴۰م، ص ۲۵).

۲. انعام/۱۵۳.

۳. آل عمران/۱۰۳.

۴. انبیاء/۹۲.

۵. انبیاء/۳۵.